

## بحران سرمایه و اتحادیه های کارگری

کمپته هماهنگی

دوشنبه بیست هفتم آبان ۱۳۸۷

پایتخت بزرگ ترین قطب جهان سرمایه در روز شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۸ میزبان سران ۲۰ کشور بزرگ سرمایه داری دنیا بود. سردمداران نظام بردگی مزدی از چهارگوشه جهان به دعوت رئیس جمهوری آمریکا در شهر واشنگتن و کاخ سفید دور هم جمع شدند تا برای خروج سرمایه بین المللی از ورطه بحران چاره اندیشی کنند. ملاقات زعمای کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری به نمایندگی از ۱۳۴ اتحادیه کارگری عضو با رؤسای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سایر دولتمردان سرمایه نیز بخشی از برنامه ریزی این اجلاس بود.

نسخه مقابله با بحران سرمایه توسط سرمایه داران، دولت ها و متفکران و متولیان و بانیان نظام سرمایه داری پدیده بسیار آشنایی است. هر کارگری با حداقل دانش و شناخت طبقاتی و یا حتی اندکی تجارب زندگی شخصی با چند و چون این پدیده آشنا است. سخن از تقابل با بحران و چاره اندیشی کاهش فشار آن از اول تا آخر فقط یک چیز است و آن این است که بار این بحران چگونه و از چه راه هایی بر زندگی توده های کارگر سرشکن شود. نظام سرمایه داری در این مورد هیچ سخن و راه حل دیگری ندارد. سیمای حرف ها، ظاهر چاره پردازی ها و ترکیب فرمول بندی ها بسیار متفاوت است، اما این تفاوت نافی اشتراک همه راه حل ها در مورد سرشکن کردن بار بحران بر دوش کارگران نیست. راه تقابل دولت ها و اقتصاددانان سرمایه داری و کلاً سرمایه با بحران ذاتی رابطه تولید اضافه ارزش از خانه و زندگی توده های کارگر دنیا عبور می کند. در این جاست که سرریز می شود و همه چیز را نابود می کند. آنچه در مورد طغیان کنونی بحران از سوی دولتمردان و برنامه ریزان و اقتصاددانان نظام سرمایه داری تا امروز صورت گرفته و در حال اجراست نیز هیچ چیز جز این نیست. دولت ها لحظه به لحظه چند صد چند صد و چند هزار چند هزار میلیارد دلار و پوند و یورو و ین به مراکز عظیم مالی، سیستم های بانکی، تراست های غول پیکر صنعتی تزریق می کنند تا راهی به سوی خروج از وضعیت حاضر پیدا کنند. نمایندگان فکری سرمایه بدون شک در ماریپیج بی فرجام و بدون دررفت یک بلاهت سنگین تاریخی اسپرند. عقل آنان عقل سرمایه است و عقل سرمایه دنیای تناقضات نافرجام و بدون راه گشایش نهایی است. با همه این ها و به رغم اسارت در چنین بلاهتی آنان باز هم خوب می دانند که صرف تزریق پول به سیستم بانکی و مرکز مالی چاره گشای کاهش بحران نیست. اما معنای زمینی آنچه آنان یکی یکی انجام می دهند بسیار روشن است. چوب حراجی است که با قدرت بر امکانات معیشتی و شرایط کار و تار و پود زندگی توده های کارگر دنیا فرود می آید. تزریقات دولت ها به مراکز مالی و صنعتی بحران زده تا آخرین قطره از خون کودکان خانواده های کارگری بیرون کشیده خواهد شد. تا همین امروز هر کارگر آلمانی چیزی حدود ۵۶۰۰ یورو، هر کارگر امریکایی بیش از ۳۵۰۰ دلار، کارگران انگلیسی بیشتر از این هر دو، و کارگران جاهای دیگر هر کدام بیشتر یا کمتر، فقط در اثر همین تزریقات پی در پی به حساب طرح های بحران ستیزی سرمایه

پرداخت کرده اند. این ها هنوز نشانه های اولیه وقوع توفان است. امواج سهمگین تعرضات بعدی به آخرین لقمه نان خانواده های کارگری در راه است و روز به روز چهره شوم و منحوس خود را هولناک تر نشان می دهد. بیکار سازی ها بخش دیگری از راه حل ستیز با بحران بوده است. نزدیک به ۲۵۰ هزار کارگر در آمریکا، ۳۵ هزار در سوئد، ۷۷ هزار در اوکراین، چند ده هزار در چین و بر همین سیاق در کشورهای دیگر به یک میلیارد جمعیت بیکار قبلی کره زمین سرمایه اضافه شده است. ۱۰۰ میلیون گرسنه جدید علاوه بر شمار چند میلیاردی گرسنگان سابق در صدر بشارت های سازمان ملل متحد به گوش همگان رسیده است. سلاخی حداقل معیشتی بازنشستگان، آموزش کودکان و دار و ندار بیمارستان ها و امکانات دارو و درمان همه جا دستور کار و در اولویت برنامه ریزی ها است. مکانیسم های مقابله با بحران در نظام سرمایه داری و در برنامه کار دولتمردان سرمایه بدون هیچ کم و کاست از سنخ موارد بالاست و سران ۲۰ کشور در روز ۱۵ اکتبر در بارگاه قدرت بزرگ مالک دوزخ جهان سرمایه گرد آمدند تا دسته جمعی و متحد برای رفتن این راه سنگ روی سنگ بگذارند.

سران اتحادیه های کارگری دنیا نیز از این افتخار برخوردار شدند که زانو به زانوی حاکمان سرمایه در برنامه ریزی اعمال این مکانیسم ها علیه چند میلیارد توده فروشنده نیروی کار جهان همدوشی و همراهی و در یک کلام مزدوری کنند. سران اتحادیه ها آمدند تا با فشردن دست Robert Zoellick رئیس بانک جهانی، رئیس صندوق بین المللی پول و دولتمردان سرمایه اعلام کنند که فقط در قسمت اجرای کودتاهای برنامه ریزی شده کاخ سفید در کنار سرمایه داران و قطب های عظیم قدرت آن ها نیستند، بلکه در هر مکان و میدان و آوردگاهی آماده اند تا کارگران دنیا را میلیون میلیون در آستان سوداندوزی نجومی تر سرمایه قربانی کنند. رؤسای اتحادیه ها پیش از نزول اجلال در بارگاه اقتدار Robert Zoellick و سایر حاکمان جهانی سرمایه از روز شروع طغیان بحران تا حال نیز به اندازه کافی طرح های دستور کار سرمایه داران و دولت ها را علیه توده های کارگر به بوته اجرا گذاشته اند. در ایالات متحده آمریکا در همان روزهایی که کارگران هزار هزار به برهوت بیکاری پرتاب شدند، زعمای بخش های مختلف اتحادیه کمپین عظیم حمایت از «اوباما» را پیش می بردند و دست در دست صاحبان بزرگ ترین انحصارات مالی و صنعتی آمریکا برای جلوس وی به مسند حاکمیت بزرگ ترین قطب قدرت سرمایه جهانی از جیب کارگران بدل و بخشش می کردند. در هیچ کجا هیچ کارگری نشنید که اخراج صدها هزار کارگر آمریکایی چهره رئیس هیچ اتحادیه ای را حتی اندکی چین انداخته باشد. در کانادا اخراج هزار هزار کارگران خودروسازی ها با استقبال رؤسای اتحادیه ها همراه شد و در همین راستا بود که بزرگ ترین نشان افتخار را از دست صاحبان سرمایه دریافت کردند. در سوئد با مشاهده فشار موج نارضایتی کارگران تنها کارشان این بود که مرثیه مظلومیت تراست های صنعتی و مالی غول پیکر سرمایه داری را بسرایند و با سراسیمگی و شتاب هر چه بیشتر از توده های کارگر بخواهند تا با سکوت خود نظام سرمایه داری را از چنگ توفان بحران نجات دهند. در سایر نقاط دنیا نیز همین را کردند و هر روز همین کارها را انجام می دهند. سران کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و رؤسای بخش های مختلف آن به اعتبار همین اقدامات و با کارنامه ای مشعشع و آکنده از همین نمرات عالی بود که در حاشیه اجلاس حاکمان دژخیم سرمایه شرف حضور یافتند و در عالی ترین سطوح گفتگوی چالش بحران کرسی ویژه خویش را احراز کردند.

آنچه این روزها جریان دارد به طور واقعی برای توده های کارگر ایران بسیار درس آموز است. کارنامه گای

رایدرها و همکیشان و همانندان ایشان همین است. در طول یکی دو ماه اخیر بردگان مزدی سرمایه از غرب تا شرق با توفان بیکارسازی درو شده اند. در هیچ کجا حتی هیچ عوام فریب دغلباز شیادی هم نمی تواند یک مورد اعتراض جدی اتحادیه های کارگری علیه این همه جنایت سرمایه را نشان دهد. آنان که سال ها است توده های کارگر ایران را از پیش گرفتن راه سازمانیابی ضدسرمایه داری و شورایی بازمی دارند و آنان را به بستن دخیل به معبد اعجاز گای رایدرها حواله می دهند باید دست کم اندکی از کارخویش شرم کنند. جنبش اتحادیه ای و سندیکایی نه میدان پیکار توده های کارگر علیه سرمایه بلکه فقط برهوتی برای دفن این پیکار است. کارگر ایرانی باید بیاموزد که راه رهایی او نه از گورستان سندیکاسازی بلکه از گذرگاه سخت و ناهموار اما بسیار روشن مبارزه ضد سرمایه داری و سازمانیابی شورایی حول منشور مطالبات پایه ای طبقه خود و با دورنمای برچیدن بساط نظام بردگی مزدی می گذرد.

## **کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۷ آبان ۸۷

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)